دوباره مرغ دل من هوای کربلا داره ...

دوباره مرغ دل من هوای کربلا داره

میرم مزار شهدا آخ که چقد صفا داره

پنج شنبه ها بهشت زهرا میشه بین الحرمین

یکی میگه یا فاطمه یکی ابوالفضل و حسین

بهشت زهرا که میرم انگار توی کرببلام

با صد سلام و صلوات میرم سر قبر بابام

یا حسین

یادمه نو جوون بودم برادرم یه بچه بود

تو آتیش جبهه و جنگ بابام توی شلمچه بود

از اون روزای معنوی هیچ چیزی یادم نمیاد

فقط یه روزخبر دادن دیگه باباجون نمیاد

دیگه از اون روز چراغ خونه ی ما خاموش شده

یکسره کار مادرم غصه و حرص و جوش شده

دیگه از اون روز تاحالا مادر ما تنها شده

هم برامون مادره و هم برا ما بابا شده

یا حسین

دیگه از اون روز مادرم از گریه آروم نمیشه

میخوام که آرومش کنم جون خودش روم نمیشه

تموم درداش یه طرف فراق بابا یه طرف

حرفای مردم یه طرف درد یتیما یه طرف

دیگه از اون روز تاحالا کسی به ما سر نزده

کسی در خونمونو غیر از خدا در نزده

دیگه از اون روز مادرم ز غصه هق هق میکن

اونقدر دلش شکسته که کم کم داره دق می کنه

یا حسین

هر کی تو این دوره زمون از شهدا دم بزنه

میگن عقب مونده شده این حرفا مال قبلأ

یکی به فکر منصب و یکی به فکر شهرته

یکی به فکر حزب و یکی به فکر ثروته

یکی به فکر زندگی یکی به فکر قدرته

 امید دل شکسته ها به عرصه ی قیامته

 آه دل مادر ما روز قیامت میگیره

یه روز همه به خود میان اون روز دیگه خیلی دیره

یا حسین